

عطر مهربانی
فواندلی‌هاشکله
دگر خندیدن!

میرزا بنویس



خوننده گران لطیفه از این شکله جیگر

لطیفه

این لطیفه را هم از ما بشنوید، تازه آن را شنیده‌ایم:
اولی: اگر گفتی چرا اسکلت، هیچ وقت خودش را از ساختمان پایین نمی‌اندازد؟
دومی: چون ...
نیمی از لطیفه را تعریف کردیم، نیم دیگرش را هم از دوستانتان بپرسید! احتمالاً خیلی‌ها آن را بلدند!



یک مقام غیر مسئول (سطح)!

حرف اضافه

تا دیروز فکر می‌کردیم «حرف اضافه» فقط در دستور زبان است و به درد متمم‌سازی می‌خورد؛ اما حالا فهمیده‌ایم حرف اضافه مدت‌هاست که دستور کار برخی مدیران و رؤسای فرهنگی شده است!

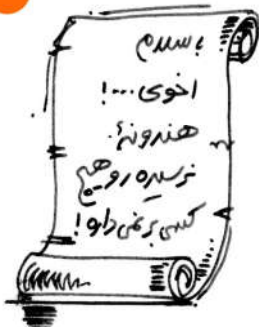


خارق‌العاده‌های شعر امروز

معروف است که می‌گویند «پیکاسو» دلش می‌خواست یک نقاشی بکشد که هم کبریتی باشد و هم خفاش! این خلاقیت و نوآوری و این کار نشدنی را یکی از شاعران معاصر ما شدنی کرده و نشان داده که چقدر از پیکاسو میکاسو جلوتر است؛ آنچه که گفته:
لاک‌پشت در خواب زمستانی
سنگ‌ها در زیر آب
دریا در اتاق
اشعار بر میز
حتماً ملتفت شدید که این شاعر سوپر مدرن در شعر خود، جبران مافات در نقاشی پیکاسو را کرده و کاری کرده که سنگ بتواند زیر آب بماند، دریا در اتاق باشد، به گونه‌ای که اشعار روی میز باقی بماند، نه کاغذ خیس می‌شود نه نوشته‌هایش پاک شود و نه آب از آب تکان می‌خورد!

درآمد به سبک جدید

یکی از دوستان پس از اینکه کلی التماس کردیم، شماره تلفن یکی از شخصیت‌های فرهنگی را به ما داد و بعد با لحنی مؤدبانه گفت: «در کشور انگلستان، یکی از راه‌های کسب درآمد، فروش اطلاعات است.»
بیست و پنج تومانی‌مان افتاد که منظور آقا چیست ... کلی بهش چیز گفتیم و بهش خندیدیم.
همین نکته شد سوژه طنز ما در این ستون.
راستی! به نظر شما در این میان کی به دنبال درآمد بود؟!



روحیه

زمانی که جبهه بودیم، یک‌بار احساس کردیم خیلی قلقلی شده‌ایم و بوی «الرحمن» گرفته‌ایم. زد به سرمان و شروع کردیم به نامه نوشتن و خلالت طلبیدن از این و آن. یکی از دوستان جواب نامه ما را داد و کلی به ما روحیه بخشید. نوشته بود:
می‌دانم که حالا حالاها زنده هستی و هیچ طورت نمی‌شود، چرا که:
در مسلخ عشق، جز نکو را نکشند
روبه‌صفتان زشت‌خو را نکشند!
راستش، اول بهمان برخورد، ولی بعد کمی فکر کردیم، دیدیم پر بیراه نمی‌گوید...
حالا ده دوازده سالی از این، ماجرا می‌گذرد و هنوز هم که به آن فکر می‌کنیم، می‌بینیم قصه ما باز همان است و همان ...

ادب را پاس بداریم

بیتی را برایتان می‌خوانیم از شاعری نازک دل، مؤدب، خیال‌پرداز و رمانتیک ... و به اصطلاح امروزی «پروانه‌ای» که با ادب خود، سعی دارد دل از معشوق ببرد و احتمالاً چون این روش را با روش‌های دیگر سنجیده و امتحان کرده، به عاشق‌های دیگر هم کاربرد آن را سفارش می‌کند:
باید به کار عشق، نزاکت به کار برد
یوسف به زور، یار زلیخا نمی‌شود!
وقتی این شعر را خواندیم، دیگر رویمان نشد که این شعرمان را ادامه دهیم و از خیر سرودن بقیه آن گذشتیم...
با عشق ما کی می‌شه قاتی پاتی؟
قربون هرچی مرد عشق لاتی!



بدون چگونه سارس، ویروس
این، باکتری می‌...!